نقش شهر در الگوی جامعه‌سازی

مهدی ابراهیم‌زاده

موضوع توسعه یا قرائت بومی آن، یعنی الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت، امری صرفاً نظری و انتزاعی به نظر می‌رسد و بیشتر آثار منتشره در این حوزه در سال‌های اخیر نیز بیشتر چنین رویکردی دارند، اما حقیقت آن است که بروز و ظهور توسعه به ساحت نظر محدود نمی‌شود. بروز بیرونی توسعه در معماری شهرها، نظام اداری، آموزش‌های همگانی، هنر، پزشکی و... به نمایش درمی‌آید. توسعه همانی است که امروز در کلان‌شهرها با آن مواجهیم.

شاید توجه این حلقه مفقوده به نظر و عمل را بتوان به عنوان خلأ مطالعات الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت در کشور ما دانست. مقالات و تحقیقات زیادی با موضوعات صرفاً نظری و با مضامینی همچون بررسی الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت از نظر اندیشمندان مختلف می‌یابید، ولی برای طراحی نظام آموزشی، معماری و شهرسازی و هنر و سایر شئون عملی که مردم به‌صورت روزمره با آن مرتبطاند، باز هم به همان نسخه‌ها و روش‌های رایج آکادمیک که بعضاً نسبتی با جامعه ما ندارد، رجوع می‌شود.

البته بخشی از این امر طبیعی است. به هر حال موضوع «الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت»، بحثی است که با انقلاب اسلامی و به بن‌بست رسیدن سیاست‌گذاران نظام در رجوع به الگوهای غربی برای حل مشکلات کشور در جامعه علمی ما مطرح شده است. بنا به روال بحث‌های آکادمیک، ابتدا باید مبانی نظری موضوع شفاف و منقح شود و پس از آن است که می‌توان منتظر پژوهش‌های کاربردی و نسخه‌هایی برای امورات روزمره مردم مبتنی بر اصول نظری الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت بود. با این‌حال با توجه به انبوه مقالات و پژوهش‌های انجام شده در کشور که به این مباحث از حیث مبانی و اصول نظری پرداخته‌اند و نیز ظرفیت مطالعات بین‌رشته‌ای در این حوزه، انتظار پژوهش‌هایی که بیشتر به ظهورات و نمودهای بیرونی توسعه بپردازند، توقع بی‌ربطی نیست، به‌خصوص با گسترش تحصیلات تکمیلی و افزایش ظرفیت‌های دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا در سال‌های اخیر.

در این زمینه، یعنی مطالعات بین‌رشته‌ای معطوف به نیازهای عملی جامعه، توجه به رابطه بین شهر و الگوی توسعه اهمیتی دوچندان دارد. اصولاً توجه به ویژگی‌های شهر آرمانی در آغاز تاریخی تمدن‌ها موضوعی است که خود می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد. تمدن یونان با آرمان مدینه فاضله افلاطون آغاز می‌شود. فارابی در آغاز تمدن اسلامی کتاب «آراء أهل المدینة الفاضلة» را می‌نویسد. در غرب جدید نیز «اتوپیا»ی تامس مور، «آتلانتیس جدید» فرانسیس بیکن، «شهر خورشید» کامپانلا و... نمونه‌هایی هستند که می‌خواهند شهر آرمانی دنیای جدید را توصیف کنند.

در این زمینه با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط در عناوین و موضوعات پایان‌نامه‌هایی که در سال‌های اخیر به نوعی به توسعه و الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند، موضوع پایان‌نامه‌ای که در ادامه تبیین شده است، درخور توجه و بدیع بود؛ به‌خصوص اینکه با بهره‌گیری از یک استاد معماری و شهرسازی به‌عنوان استاد راهنما و استادی دیگر در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی به‌عنوان استاد مشاور به رشته تحریر در آمده است.

«جستاری در مفهوم توسعه، معیارهای مدل ایرانی از توسعه و جایگاه برنامه‌ریزی شهری در آن»، عنوان پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حمیدرضا آقاکثیری است که با راهنمایی دکتر شریف مطوف، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و فارغ‌التحصیل برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه هریوت وات انگلستان و مشاوره دکتر ابراهیم فیاض، استادیار گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به رشته تحریر درآمده است. بنابر اطلاعات پایگاه پژوهشگاه علوم و فن‌آوری اطلاعات ایران (irandoc.ac.ir)، این پایان‌نامه در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است.

همان‌گونه که از عنوان این رساله نیز پیدا است، نگارنده به دنبال یافتن مفهوم توسعه و مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی برای جامعه ایران و جایگاه این مؤلفه‌ها و معیارها در برنامه‌ریزی شهری است. وی مفاهیمی نظیر توسعه، پیشرفت و ترقی را از آن دسته مفاهیمی می‌پندارد که از یک طرف برای همگان واضح و از سوی دیگر مبهم شمرده می‌شوند و کسی قادر به تعریف ساده و بی‌ابهام از آن‌ها نیست؛ بنابراین به دنبال یافتن چیستی این مفهوم و چگونگی دست‌یابی به آن است.

نویسنده توسعه و پیشرفت را ملاک و مؤلفه عمل می‌داند و معتقد است نباید آن را از روی ظواهر و لوازم مدرن شناخت. وی بر این باور است که برای این منظور ابتدا باید نسبت توسعه‌یافتگی با فرد بررسی شود و سپس آن را آیینه‌ای برای تبیین مفهوم توسعه در یک نظام اجتماعی قرار داد.

این رساله، مفهوم توسعه و پیشرفت را به‌عنوان ملاک عمل زمانی پذیرفتنی می‌داند که برای خود مبنای «علمی، ارزشی، فنی و مدیریتی» داشته باشد و این ۴ ضابطه، تئوری ذاتی توسعه را از نظر این پژوهش تشکیل می‌دهند. نگارنده معتقد است که تبیین مفهوم توسعه از این زاویه و توجه به بنیان‌های هویتی جامعه ایران، ما را در مسیر دست‌یابی به ملاک‌ها و مؤلفه‌های الگوی توسعه و پیشرفت بومی ایران قرار خواهد داد؛ اصولی که از عقلانیتِ پایه (عقلانیت مرجع) ایران و بر پایه جامعه‌شناسی هویتِ ایرانی استخراج‌پذیر هستند.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سه اصل عقلانیت، عدالت اجتماعی و معنویت، اصلی‌ترین ملاک‌ها و مؤلفه‌های الگوی توسعه پیشرفت بومی ایران است.

در ادامه نویسنده به جایگاه و نقش اساسی شهر و مدنیت در مسیر جامعه‌سازی و پیشرفت می‌پردازد و از آنجا که مدیریت شهر و مسائل مربوط به آن در بستر برنامه‌ریزی شهری اتفاق می‌افتد، به نقش برنامه‌ریزی شهری در مسیر جامعه‌سازی اشاره می‌کند. در پایان نویسنده ضرورت تغییر نگاه به جایگاه حداقلی شهر به عنوان تسهیل‌کننده عبور و مرور و ارتقای این جایگاه بر اساس مؤلفه‌های بومی توسعه ایرانی را که در پژوهش خود به آن‌ها دست یافته، گوشزد می‌کند.